

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

فرستنده: عثمان حیدری

۰۷ جولای ۲۰۱۶

دین و حکومت*

نگارشی است بسیار جالب، امیدارم که تمام آن را بخوانید. اقلأ آخذ هائی وجود داشتند که دارای شعور بودند!!! خلاصه نامه آخذ خراسانی (بزرگترین مرجع وقت خودش) به آیت الله نائینی، ۱۰۰ سال پیش، درباره مضرات حکومت اسلامی. بخوانید و در باب صحت گفته ها با دقت کامل بر مبنای تجارب تلخ و شیرین خودتان از حاکمیت اسلام سیاسی در افغانستان، ایران، عراق، پاکستان و سایر نقاط جهان قضاوت نمایند:

- ۱- دیگر ادیان هم ترغیب می‌شوند حکومت متعصب دینی تشکیل دهند و نزاع دینی شکل می‌گیرد.
- ۲- وقتی روحانیون پا به حکومت بگذارند، دیگر نمی‌توانند عیوب خود را ببینند و توجیه می‌کنند و فسادها را نادیده می‌گیرند.
- ۳- مسند روحانیت، مسند مبارزه با فساد است؛ و مسند حاکمان، همواره توأم با فساد. با این کار، هم مسند مبارزه با فساد را از دست می‌دهیم و هم روحانیت را مفسد می‌کنیم. وای به روزی که بگنند نمک / حتی اگر فاسد نشویم همه مفساد را به گردن روحانیت می‌نویسند و دین نابود می‌شود.
- ۴- علم حکومت‌داری و سیاست، یک علم و فن است؛ و روحانیون از این علم، حداقل تا الان کاملاً تهی هستند. ورود بدون علم و تجربه و فن به این حوزه بدون طی مراحل آن باعث آبروریزی برای روحانیون می‌شود. صرف این‌که روحانیون انسان‌های خوبی هستند که دلیل نمی‌شود هر علمی و هر فنی را بلد باشند.
- ۵- آمال و آرزوهای ما تبعیت حکومت از دین است در حالی‌که اگر حکومت را در دست گیریم، به تبعیت دین از حکومت دچار خواهیم شد.
- ۶- چون مردم، ما را نایبان امام زمان می‌دانند، انتظار دارند حکومت دینی هم، همان شرایط را ایجاد کند. و وقتی نتوانیم در آن سطح، عدالت را برقرار کنیم، نسبت به امام زمان و دین، سست عقیده می‌شوند.
- ۷- اکنون که مناصب حکومتی نداریم، این‌همه اختلاف نظر وجود دارد. اگر به حکومت برسیم، این اختلاف نظر، باعث چندپارگی دین و ایجاد فرقه‌های جدید و آسیب به دین می‌شود.

۸ - ما فقط سواد فقهی داریم و چون فقیه خوبی هستیم (که تازه، همه ابواب فقه را هم نمی‌دانیم)، دلیل نمی‌شود که به علوم دیگر مانند مدیریت و ... هم تسلط داشته باشیم. علم فقه، یک علم است با مسائل خودش؛ و ربطی به اداره جامعه و مسائل آن ندارد.

۹ - اسلام را در طول چندین قرن، حکومت اسلامی نگه نداشته است بلکه حوزه های علمی نگه داشته‌اند.
۱۰ - اکنون که دست ما به حکومت نرسیده است، اطرافیان ما چه کارها که نمی‌کنند ... !وای به روزی که دست‌مان به حکومت برسد! بستگان ما، در صورت حکومت، از موقعیت استفاده خواهند کرد و باعث آبروریزی برای مرجعیت و دین اسلام خواهند شد و مردم آن‌ها را به پای ما می‌نویسند.

۱۱ - کسانی که مناصب حکومتی را در اختیار دارند، فریب‌کاری، ناراستی و دروغ گوئی را از لوازم اولیه کار و شغل خود می‌دانند؛ و شاید هم در پاره ای از موارد، امور آن‌ها بدون دروغ نمی‌گذرد؛ زیرا محتمل است که در پاره ای جاها به دلیل مصالح مهم تری، دروغ گفتن برای آن‌ها مجاز باشد. اما به همین دلیل که اشغال این مناصب، با پرهیز از دروغ، منافات دارد (خوب و بد و درست و نادرستش به کنار) علمای دین باید از این مناصب بپرهیزند؛ زیرا اگر بخواهند پایبند راستی و صداقت باشند، امورشان نمی‌گذرد؛ و اگر هم بخواهند مثل بقیه سیاستمداران، هر جا که صلاح دیدند دروغ بگویند، این کار دو خطر بزرگ دارد؛ یکی این‌که خرده خرده، قبح دروغ در نظرشان از بین می‌رود و تقید آنان به صداقت، در موارد دیگر متزلزل می‌شود؛ و این امر، گرچه برای همه بد است ولی برای عالم دین، از همه بدتر و خطرناک تر است. دیگر این که عامه مردم وقتی ببینند علمای دین (با هر عذری، و لو موجه) در موارد متعدد دروغ می‌گویند، کم کم این شبهه برای‌شان پیش می‌آید که پس نکند در موارد دیگر، از جمله در احکام الهی و اعتقادات دینی و مذهبی نیز علمای دین به دلیل عذرهای ولو موجه دروغ می‌گویند و آنگاه ایجاد چنین تصویری در اذهان عامه مردم، بسیار خطرناک است و بالمآل موجب بی اعتقادی آنان به مبادی و آداب دینی خواهد شد.

*- از کتاب «دیدگاه‌های آخند خراسانی و شاگردانش»، نوشته آقای علی اکبر ثبوت، فصل اول، صفحه ۱۸ به بعد.